طرح مسأله سبك زندگي اسلامي

18 تير 1394

# مسأله اول

سال‌ها از انقلاب اسلامي ايران مي‌گذرد. به نظر مي‌رسد آن‌چه از انقلاب توقع مي‌رفته واقع نشده و آن‌چه واقع شده مطلوب انقلاب و انقلابيون نبوده است.

## دست‌يابي به فرض اول

آيا هدف از اين تحوّل، تغيير در «رفتار اجتماعي»؛ اعمّ از رفتار حاكميت و رفتار آحاد مردم در جامعه بوده است؟

## دست‌يابي به فرض دوم

آيا تحوّل مطلوب، آن‌چه از انقلاب اسلامي توقع مي‌رفت، محقّق شده و به ثمر نشسته است؟

## دست‌يابي به فرض سوّم

### احتمال اول

اگر نتيجه حاصل شده؛ چرا آثار آن در جامعه مشاهده نمي‌شود؟ چرا رهبري پيوسته تأكيد بر تحوّل در سبك زندگي و فرهنگ اجتماعي دارند؟

### احتمال دوم

اگر نتيجه حاصل نشده؛ دليل چه بوده است؟

## سؤال اول

به چه دليل پس از گذشت سي سال از انقلاب همچنان رفتار اجتماعي اسلامي محقق نشده است؟

### پاسخ احتمالي نخست

آيا افراد مسئول در اين افزون بر سي سال خائن به اسلام و مغرض بوده‌اند؟

### پاسخ احتمالي دوم

آيا افراد مسئول علاقه‌مند به اسلام بوده، ولي شايستگي و صلاحيت تصدّي نداشته‌اند؟

### پاسخ احتمالي سوّم

آيا افراد مسئول علاقه‌مند و شايسته بوده‌اند، لكن نرم‌افزار اداره نظام تغيير نكرده و همچنان غيراسلامي بوده، اسباب عدم تحوّل در فرهنگ نظام را فراهم نموده است؟

## سوال دوم

### بر فرض پاسخ اول

چرا و چگونه پس از انقلاب، با وجود رهبري امام(ره) و مقام معظم رهبري(حفظه‌الله) همچنان خائنين به اسلام بر دولت و مجلس و ساير مسندهاي حاكميت تكيه زده‌اند؟

#### كنكاش گريزگاه

آيا راهي وجود دارد بتوان جلوي تصدّيگري خائنين به اسلام و مغرضين را گرفت؟ آن را چيست؟

### بر فرض پاسخ دوم

چه دلايلي وجود دارد كه افراد غيرشايسته متصدّي حاكميت نظام شده‌اند؟ آيا كوتاهي از مردم و تشخيص آن‌ها در انتخاب بوده است؟

#### كنكاش گريزگاه

آيا راهي وجود دارد كه بتوان شايستگان را بر مسند نشاند؟ آيا امكان دارد مردم در انتخابات فريفته نشوند و صحيح انتخاب نمايند؟ آيا ايراد از ساختار نظام انتخاباتي‌ست يا از ناآگاهي مردم؟

### بر فرض پاسخ سوّم

چرا با وجود اين‌همه نهاد پژوهشي و مطالعات اسلامي، همچنان نرم‌افزار اداره نظام اسلامي توليد نشده است؟ كاستي و كوتاهي متوجه چيست؟

#### كنكاش گريزگاه

آيا تحوّل نرم‌افزار اداره نظام و شيوه و سبك مديريت نيازمند مديريت جديد معتقد به تحوّل است؟ آيا اين به دور باطل نمي‌انجامد؟ محافظه‌كاري مسئولان مانع تحوّل مي‌شود و عدم تحوّل سبب عدم توليد نرم‌افزار جديد و بدون نرم‌افزار جديدي براي اداره نظام، همان كاستي‌هاي گذشته ادامه مي‌يابد؟ آيا راهي وجود دارد بتوان شيوه اداره نظام را تغيير داد، به نحوي كه اسلامي باشد و سازگار با اهداف انقلاب اسلامي؟

# مسأله دوم

سبك زندگي مردم چگونه شكل مي‌گيرد و از كجا مي‌آيد؟ كه بدانيم چگونه مي‌توانيم آن را تغيير دهيم؟

## دست‌يابي به فرض اول

آيا مردم در افعال خود اختيار دارند و مجبور نيستند، لذا هر طور كه ميل و علاقه‌شان باشد رفتار مي‌كنند؟ يا مجبورند و بي‌اختيار از نظام اجتماعي تبعيّت مي‌نمايند؟

## دست‌يابي به فرض دوم

آيا ميل و علاقه مردم در دست خودشان است، يا اين ميل و علاقه از ارزش‌هاي اجتماعي تأثير مي‌پذيرد؟

## دست‌يابي به فرض سوّم

آيا مردم نسبت به تشويق‌ها و توبيخ‌هاي اجتماعي واكنش مثبت نشان مي‌دهند و سعي مي‌كنند براي اين‌كه تحقير نشوند، مطابق سلايق اجتماعي و فرهنگي و عرفي عمل نمايند؟ يا طبيعت آن‌ها بر مقابله و مقاومت با عرف جامعه شكل گرفته و مستقل از نظر مردم ديگر عمل مي‌نمايند؟

## دست‌يابي به فرض چهارم

آيا تشويق‌ها و توبيخ‌ها، تحقيرها و تجليل‌هاي اجتماعي مبتني بر ارزش‌هاي فرهنگي هر جامعه و هر عرفي است، يا تابع خواست و اراده حاكمان جامعه؟

## دست‌يابي به فرض پنجم

### احتمال اول

آيا گروه‌هاي مرجع هستند كه رفتارشان الگو شده و ارزش‌هاي فرهنگي را تغيير داده، بر رفتار مردم تأثير مي‌گذارد؟

### احتمال دوم

يا بالارفتن آگاهي‌هاي مردم از طريق آموزش‌هاي منظّم سبب تغيير رفتار آن‌ها و تغيير ارزش‌هاي فرهنگي شده و سبك زندگي را متحول مي‌كند؟

## سؤال اول

چرا سبك زندگي مردم ايران در سال‌هاي اخير مسيري متفاوت از انقلاب اسلامي پيش گرفته است؟

### پاسخ احتمالي نخست

آيا آگاهي‌هاي كافي و اطلاعات مورد نياز براي تشخيص صحيح از سقيم به آن‌ها داده نشده است؟

### پاسخ احتمالي دوم

آيا گروه‌هاي مرجع، آنان‌كه مردم رفتارشان را از ايشان مي‌گيرند، صحيح رفتار نكرده‌اند و سبك زندگي‌شان با ارزش‌هاي انقلاب ناهماهنگ بوده است؟

### پاسخ احتمالي سوّم

آيا اشتباهات رفتاري و عملكردي گروه‌هاي مرجع انقلاب، سبب كاهش اعتبار اجتماعي و عرفي آنان شده و مردم الگوهاي خود را تغيير داده، مرجعيّت رفتاري از گروه‌هاي شاخص انقلابي به گروه‌هاي غيرهماهنگ با ارزش‌هاي انقلاب منتقل گشته است؟

## سؤال دوم

### بر فرض پاسخ اول

چه فرد يا نهادي مسئول آگاه‌سازي مردم است؟ به چه دليل آگاهي‌هاي كافي ارائه نشده است؟

#### كنكاش گريزگاه

به چه طريق، با چه ابزارهايي، توسط چه افراد يا گروه‌هايي بايد دانايي و آگاهي مردم را ارتقاء بخشيد؟ چه نهادهاي آموزشي يا رسانه‌اي در اين كار دخيل هستند؟

### بر فرض پاسخ دوم

ريشه رفتار گروه‌هاي مرجع چيست؟ آنان الگوهاي رفتاري خويش را از كجا مي‌آورند؟ اين گروه‌ها را چگونه مي‌توان شناسايي كرد؟

#### كنكاش گريزگاه

چگونه مي‌توان رفتار گروه‌هاي مرجع را تغيير داد، تا سبك زندگي افراد جامعه تغيير نمايد؟

### بر فرض پاسخ سوّم

چه اشتباهاتي سبب بي‌اعتباري گروه‌هاي مرجع انقلابي و تغيير مرجعيّت در سبك زندگي به گروه‌هاي غيرموجّه شده است؟ جنس اين اشتباهات «سياسي»ست؟ يا ناشي از «بي‌عدالتي‌هاي اقتصادي»ست؟

#### كنكاش گريزگاه

چگونه مي‌توان مرجعيّت در سبك زندگي را به گروه‌هاي موجّه باز گرداند؟ و به چه ترتيبي مي‌توان مانع بي‌اعتباري اين گروه‌ها گرديد؟

# مسأله سوّم

تكليف ما چيست؟

## دست‌يابي به فرض اول

آيا رسيدن به پاسخ نظري براي مسائل پيش‌گفته نيازمند مطالعات مباني نظري اسلامي‌ست؟

## دست‌يابي به فرض دوم

آيا چنين مطالعاتي تا كنون انجام شده و به سرانجام رسيده است؟ آيا دستآورد آماده نظري‌اي وجود دارد كه به پرسش‌هاي مبنايي ما در سبك زندگي اسلامي پاسخ گويد؟

## دست‌يابي به فرض سوّم

آيا رسيدن به گريزگاه عملي براي حل مشكلات فعلي رفتار اجتماعي جامعه ايراني نيازمند بررسي ميداني واقعيت‌هاي رفتاري جامعه است؟ يا بي‌نياز از آن مي‌توان به راه‌حل رسيد؟

## دست‌يابي به فرض چهارم

اگر يافتن گريزگاه عملي نيازمند پيمايش و تحقيقات ميداني‌ست، آيا چنين پژوهش‌هايي تا به حال انجام شده و نتيجه روشن، قابل اعتماد و راهگشايي در دست است؟

## سؤال اول

بر فرض وجود مباني نظري و راهكارهاي عملي، اكنون چگونه مي‌توانيم دست به كار شده و سبك زندگي را متحول نماييم؟

## سؤال دوم

آيا در صورت فقدان مباني نظري متقن و راهكارهاي عملي قابل اعتماد، مي‌توانيم مسيري موقتي را در پيش گرفته و براي تحوّل سبك زندگي اقدام نماييم؟

## سؤال سوّم

اگر بدون مباني نظري و راهكارهاي عملي نمي‌توانيم دست به كار شويم، آيا بايد منتظر بمانيم تا نهادهاي متولّي اين مواد اوليه را تدارك نمايند، يا بايد خود نسبت به پژوهش و توليد آن‌ها اقدام كنيم؟

# گمان ما

ما گمان مي‌كنيم؛

1. انسان بماهو انسان نيازهايي دارد كه دو ساحت دنيا و آخرت او را پوشش مي‌دهد.
2. او براي رفع اين‌ نيازها به عملكردهايي فردي و اجتماعي مبادرت مي‌ورزد.
3. بعضي از اين عملكردها را شارع و بعضي ديگر را گروهي از افراد توانمند جامعه ابداع نموده‌اند.
4. اين عملكردها در كنار يكديگر، سبك زندگي انسان را تشكيل مي‌دهند.
5. آن گروه كه نخبگان يا خواصّ ناميده مي‌شوند، به دليل «موفقيت» مورد تبعيّت قرار مي‌گيرند.
6. هر انسان از فردي تبعيّت مي‏كند كه «كمالي» را در وي مشاهده مي‌نمايد كه در خود نمي‌بيند.
7. موفقيت‌ها در ساحت دنيا و آخرت، شاخص وجود كمال در فرد خاصّ است.
8. هر انسان بر اساس نظام ارزشي خود «كمال» و «نقص» را معنا مي‌نمايد.
9. براي تغيير سبك زندگي مردم؛
	* + 1. يا خواصّ و گروه‌هاي مرجع بايد سبك زندگي خود را تغيير دهند.
			2. يا گروه‌هاي مرجع جديدي جايگزين گروه‌هاي فعلي شوند.
10. دستورالعمل سبك زندگي گروه‌هاي مرجع را بايد به نحوي استخراج نمود كه:
	* + 1. پاسخگوي تمامي نيازهاي انسان باشد؛ دنيا و آخرت.
			2. مبني بر عملكردهاي جديدي باشد، متفاوت با آن‌چه امروز رفتار مي‌كند.
11. عملكردهاي جديد نمي‌تواند تكرار عملكردهاي سنّتي و پيشين جامعه باشد، زيرا:
	* + 1. شرايط اجتماعي تغيير كرده و عملكردهاي سنّتي رضايتمندي ايجاد نمي‌كنند.
			2. نيازهاي جديدي شكل گرفته كه عملكردهاي جديد مي‌طلبند.
			3. باور جامعه به اسلام ارتقاء يافته و عملكردهايي منطبق‌تر با اسلام مي‌طلبد از آن‌چه در سده‌هاي پيش عمل مي‌كرد.
			4. ابزارها رشد يافته و با سرعت بيشتري مي‌توان در مسير اسلام گام برداشت.
12. براي خلق عملكردهاي جديد بايد؛
	* + 1. نيازهاي انسان را به درستي فهرست كرد و اولويت‌بندي نمود.
			2. عملكردهاي فعلي را شناخت و به نيازها منتسب كرد.
			3. آسيب‌هاي هر عملكرد را يافت و به دنبال عملكردي بدون آسيب گشت.
13. اگر اولويت نيازها ملاحظه نشود، نمي‌تواند انسان را به اهداف مورد انتظار برساند.
14. اولويت نيازها به عملكردها سرايت نموده، پاره‌اي عملكردها را مهم‌تر از ساير آن‌ها مي‌نمايد.
15. در توليد «برنامه تغيير سبك زندگي» ابتدا عملكردهاي داراي اولويت بايد محور قرار گيرند.

پايان